



فرهنگی



یوادممدنی

عزاداری، خط احیاگری

عکس: مهدی رضایی مهر





در فرهنگ دینی ما، یکی از برنامه هایی که نشان دهنده پیوند و دوستی شیعه با اولیای دین و امامان معصوم است، عزاداری است. عزاداری از آغاز، با دستور و تأکید و توصیه خود پیامبر خدا (ص) و امامان شکل گرفته و رفته رفته میان امت و فدایان به خاندان پیامبر و علاقه مندان به عترت به صورت یک «سنت دینی» درآمده است.

تدبیر و خواست الهی نیز در ایجاد شوق و محبت نسبت به خاندان پیامبر، به ویژه سید الشهدا^{علیه السلام} در تلاطم این سنت نقش داشته است. مهر و محبت خاندان پیامبر (ص) به ویژه حضرت ابا عبد الله الحسین^{علیه السلام} را همچون بذری در زمین دل ما افشاندند. ما نیز وظیفه داریم که این بذری را برویانیم و این نهال را بر برگ و بار بنشانیم و در همه عمر، از ثمرات آن بهره مند شویم.

از سوی دیگر، بر پا کردن سوگواری در ایام رحلت و شهادت معصومین، زنده نگهداشتن نام و یاد و خاطره و تعالیم آن پاکمردان الهی است و آثار و برکات این احیاء و تعظیم شعائر نیز به خود امت اسلام برمی گردد و از این رهگذر، علقه های دینی و پیوندهای عاطفی با اولیای دین استوارتر می شود و دینداری و تعهد و پاک زیستی شیعیان اهل بیت^{علیهم السلام} تقویت می شود.

مناسب است که هم فلسفه و انگیزه این شعائر دینی بیشتر شناخته شود، هم به سابقه و پیشینه آن توجه گردد و هم به زمینه های بهره وری از این سنت دیرپای مذهبی در عصر حاضر اشاره شود.

۱. خط احیاءگری در عزاداری

با شکل گیری اسلام و قدرت یافتن آیین نبوی (ص)، دشمنان دین و پیامبر، به شکل های مختلف در صدد برآمدن تا این نهضت را خاموش کنند. برنامه «بر خورد فیزیکی» با عترت پیامبر و مقابله صریح با خاندان رسول و به انزوا کشاندن اهل بیت پیامبر، یکی از این برنامه ها بود. امامان شیعه، که می بایست پس از پیامبر خدا عهده دار تلاطم خط رسالت به صورت امامت و حاکمیت سیاسی «ولایت» باشند، با دشمنی های دشمنان کشته یا مسموم شدند. مظلومیت شدید خاندان

عصمت، از سوی دیگر بر محبوبیت قلبی آنان می افزود و پیوسته در مدار جاذبه الهی آنان، دل های مشتاق فراوانی می تپید و می چرخید. دشمنان اهل بیت سعی داشتند با فراموشاندن نام و یاد این خاندان و ایجاد فاصله میان مردم و خاندان پیامبر، خط و مرام آنان را هم به انزوا بکشند.

در چنین شرایطی، نوشتن و گفتن و سرودن و نشر تفکر و راه آنان و ترویج خط فکری و تعالیشان، از اسلوب های مؤثر شیعه در دفاع از حق و مبارزه با باطل به شمار می آمد و حتی گریستن و سوگواری در عزای آنان و به زیارت مزار آنان رفتن، یک عملی سیاسی و مبارزاتی و افشاگرانه و محوری برای تجمع و تشکل شیعه محسوب می شد و این گونه مجالس حسینی و اهل بیتی مورد تشویق و حمایت ائمه بود. امام صادق^{علیه السلام} از فضیلت پرسیدن: آیا دور هم می نشینید و حدیث و سخنی می گوید؟ گفت: آری.

حضرت فرمود:

این گونه مجالس را دوست می دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید، خدا رحمت کند کسی را که امر (و راه و مرام) ما را احیا می کند.

به مقتضای این حدیث، برپایی مجالس به یاد خاندان رسالت (چه در غم و شادی ها، و چه در تولدها و شهادت هایشان) احیاءگری نسبت به یاد آنان و مطرح ساختن فضایل آنان است و این گونه مجالس، محبوب آنان است.

پیروان ائمه، با زبان و قلم و شعر و مرثیه و اشک و عزاداری در «احیای امر ائمه» و زنده نگهداشتن حماسه ها و مظلومیت ها و بیان فضایل آنان تلاش می کردند. در آن عصر خفقان، طرح «خط ائمه» خطرهایی را هم در پی داشت، و شعر و مرثیه و مدح و سوگواری بر شهیدان کربلا و سیدالشهدا و مظلومیت خاندان رسول خدا (ص) در آن عصر «توانستن» ها، بعدی از مسأله زنده نگهداشتن مشعل حق و دعوت به نور و ایمان بود. سروده های موضع دار شاعران شیعی، در دو محور

«مدایح» و «مراثی» که درباره ائمه و فضایلشان بود، همواره به عنوان اهرمی در دفاع از حق و مبارزه با حکومت های جور، مورد استفاده قرار می گرفت. سنت شعر گفتن و مرثیه سرودن برای خاندان پیامبر نیز از همین رهگذر مورد تأکید اولیای دین بود و مرثیه سرایان، مورد تقدیر و حمایت و تشویق امامان شیعه قرار می گرفتند و در دل شیعیان هم جای داشتند و در جامعه شیعی نیز از مکانت والایی به عنوان «ذاکر» و یادآور برخوردار بودند.

اقامه عزای و بیان رنج های جانکاه پیشوایان حق و خون دل های ائمه عدل، در عین حال انتقال فرهنگ مبارزه و شهادت به نسل های آینده تلقی می شد. در آن گونه مجالس، احساس ها و عواطف به کمک شعور می آمد و عاشورا زنده می ماند و اشک، زبان گویای احساس های عمیق کسانی می شد که به خط حسینی و عاشورایی، پای بند بودند. اشک، دلیل عشق می شد و زبان دل و شاهد شوق.

مرحوم کاشف الغطاء، در تأثیر این گونه شیوه ها در بقای فرهنگ عاشورا می نویسد:

«... آغاز بیرون آمدن دسته های عزاداری برای سیدالشهدا پیش از هزار سال، در زمان معزالدوله و رکن الدوله بود، که دسته های عزاداران، در حالی که برای حسین^{علیه السلام} ندبه می کردند و شب مشعل هایی به دست داشتند، بغداد و راههای یکباره پر از شیون می شد. و این به نقل «ابن اثیر» در تاریخ خودش، اواخر قرن چهارم بود... و اگر بیرون آمدن این موکبها در راهها نبود، هدف و غرض از یادآوری حسین بن علی^{علیه السلام} از بین می رفت و ثمره فاسد می شد و راز شهادت حسین بن علی^{علیه السلام} منتفی می گشت.»^۲

شکوه دسته های عزاداری و جاذبه معنوی آنها، بسیار تأثیر گذار است و موجی از احساسات دامن دار را در دل توده های علاقه مندان به اهل بیت برمی انگیزد و نتیجه اش رسوخ بیشتر این معتقدات و عواطف دینی در ذهنها و دلهاست.



۲. تأکید و تشویق به عزاداری

سوگواری در فقدان یک عزیز، هم یک امر طبیعی و عاطفی و نشانهٔ فعال بودن احساس ها و عواطف بشری در یک انسان و جامعه است، و هم در مورد اهل بیت پیامبر یک «دستور دینی» است. هر چند برخی از کج فهمان، در اذهان مردم شبهه می آفرینند و این اصل را زیر سؤال می برند، اما عمل پیامبر اسلام، و امامان شیعه و توصیه های مکرر آنان نسبت به گریستن بر سید الشهداء و یاد کردن مصائب خاندان پیامبر و عزاداری برای آنان و مرثیه سرودن برایشان، زایندهٔ هر شبهه در این زمینه است.

امام باقر^{علیه السلام} به کسانی که نمی توانند روز عاشورا به زیارت سید الشهداء در کربلا بروند، دستور می دهد که در خانه ها برای امام حسین^{علیه السلام} گریه و ندبه کنند و اهل خانه را هم به گریستن و اقامه سوگواری برای آن حضرت سفارش کنند و چون به یکدیگر می رسند، به هم تسلیت و تعزیت در این مصیبت بگویند.^۲

سابقهٔ عزاداری و سوگواری بر مظلومیت خاندان پیامبر، بسیار دیرینه است. خود پیامبر و حضرت علی و فاطمه زهرا و فرشتگان و کروییان و جن و انس بر مظلومیت «آل الله» گریسته و مجلس عزای برپا کرده اند. انبیای گذشته هم که پیش از به وقوع پیوستن حادثهٔ عاشورا و مصائب خاندان پیامبر می زیستند، چون از این ماجرا آگاه شدند، اشک ریختند.^۳

در شیوه و سیرهٔ امام کاظم^{علیه السلام} به نقل از حضرت رضا^{علیه السلام} چنین آمده است که:

«چون ماه محرم وارد می شد، حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} دیگر خندان دیده نمی شد و غم و افسردگی بر آن حضرت غلبه می یافت، تا آن که ده روز از محرم می گذشت. روز دهم (عاشورا) که می شد، آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریهٔ وی بود.»^۴

امام صادق^{علیه السلام} بر سجادهٔ خود نشسته و برای زلتران و سوگواران اهل بیت^{علیهم السلام} چنین دعا می کرد:

«خدا یا! آن دیدگان را که اشکهای آنها در راه ترخّم و عاطفه بر ما جاری شده و دلهایی را که به خاطر ما سوخته و نالان گشته و آن فریادها و ناله هایی را که در راه ما بوده است. مورد رحمت قرار بده.»^۵

از این گونه احادیث، در منابع حدیثی بسیار است، که همه تشویق به عزاداری و گریه و مرثیه گویی، احیای یاد، رفتن به زیارت و غمگینی در راه مصیبتهای آن مظلومان است و نقش مهمی در زنده نگهداشتن فکر و فرهنگ آن خاندان داشته و دارد و عامل پیوند نسل امروز، به ویژه جوانان، با آن الگوهای پاک و پارسایی و جهاد و شهادت و فداکاری در راه حق است، چرا که اشک، خون می سازد و مجاهد و مبارز و شهید می پرورد. دلی که به حسین بن علی و اهل بیت پیامبر عشق ورزد، بی شک در سوگ آنان هم می گرید و با این گریه، مهر و علاقهٔ درونی خود را نشان می دهد و با عزاداری در سوگ آنان، تجدید بیعت با کربلا و فرهنگ شهادت و امضای راه خونین شهیدان را ابراز می دارد. به تعبیر شهید مطهری: «گریه بر شهید، شرکت در حماسهٔ او و هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط او و حرکت اوست...»^۶

۳. آثار و نتایج اجتماعی و سیاسی

عزاداری برای شهیدان، به خصوص سید الشهداء^{علیهم السلام}، هم مایهٔ بقای نام و خاطره و آثار آن حماسهٔ جاوید است، هم تأثیر عاطفی و پیوند درونی میان عزاداران و پیشوایان حق ایجاد می کند، و هم نوعی روح مبارزه با ستم را در مردم احیا می کند. می توان گفت؛ عزاداری برای سید الشهداء، محور برنامه های حفظ کنندهٔ مکتب است.

حفظ مکتب و دستاوردهای تعالیم پیامبر، در سایهٔ زنده نگهداشتن «فرهنگ اهل بیت» بوده است و از آنجا که حکام جور، پیوسته تلاش برای محو این فرهنگ داشتند، عزاداری خود به خود رنگ سیاسی و مبارزاتی پیدامی کند. «بعد سیاسی» در گریه و عزاداری، همان زنده نگهداشتن روحیهٔ مبارزه با ستم و تشکل انقلابیون شیعه با محوریت کربلا و شهدای عاشورا است.

امام امت (قدس سره) در این زمینه فرموده است:

«این که برای عزاداری، برای مجالس عزای، برای نوحه خوانی، برای اینها این همه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عبادی اش و روحانی اش، یک مسئله مهم سیاسی در کار بوده است. آن روز که این روایات صادر شده است، روزی بوده است که این فرقهٔ ناحیه، مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قدرتهای بزرگ. در آن وقت، برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمان ده است... شیعیان با اقلیت آن وقت، اجتماع می کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی دانستند مطلب چه هست. ولی مطلب، سازماندهی یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت ها و در طول تاریخ این مجالس عزای که یک سازماندهی سرتاسری کشورهاست...»

در مقابل حکومت هایی که پیش می آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می ترساند، این مجالس عزای این دستجات بود.»^۷

و در جای دیگر می فرماید:

«مسئله، مسئلهٔ گریه نیست، مسئله، مسئلهٔ تباکی نیست. مسئله، مسئلهٔ سیاسی است که ائمه با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملتها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند، از راههای مختلف اینها را یکپارچه کنند، تا آسیب پذیر نباشند.»^۸ البته این هدف و نتیجه وقتی است که امت مسلمان و انبوه عزاداران از جنبهٔ «شکلی» آن بگذرند و به «محتوا» و «جهت» و حقیقت عزاداری برسند. وگرنه، اگر شعور، پشتوانهٔ شور و احساس و عاطفه نباشد، اینگونه مجالس و شعائر و سنتها از محتوا تهی می شوند و به تشریفاتی کم اثر، یا بی اثر تبدیل شده، عاشورا و اربعین بی خاصیت می گردند.

شهید مطهری می نویسد:

«در شرایط خشن یزیدی، در حزب حسینی ها شرکت کردن و تظاهر به گریه کردن بر شهدا، نوعی اعلام وابسته بودن به گروه اهل حق و اعلان جنگ با گروه باطل و در حقیقت، نوعی از خودگذشتگی است. اینجاست که عزاداری حسین بن علی علیه السلام یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است.»^{۱۰}

روضه های خانگی و دسته های عزاداری و هیئتهای زنجیرزنی، پوشیدن لباس مشکی و پرچم به دست گرفتن و شربت و آب دادن و تلاش در برپایی مجالس و نوحه خوانی و سینه زنی و... هر یک به نوعی سربازگیری جبهه حسینی است و این حرکت و موج، در طول زمان ادامه داشته و دارد.

۵. نقش عزاداری در عصر حاضر

قیام کربلا درسی برای همیشه تاریخ و همه انسانها بود. بزرگداشت آن حماسه و همدلی و همراهی با آن نیز، تضمین کننده سعادت شیعه و مسلمانان متعهد در همه زمانهاست.

امروز با آنکه تلاش حکومت و نظام اسلامی برای پیاده کرده احکام دین در سطح جامعه است، ولی تکلیف گرامیداشت عاشورا و برگزاری پرشور مراسم سوگواری و تعظیم شعائر دینی و حفظ هرچه شکوهمندتر آیین های سنتی درباره سید الشهداء علیهم السلام، همچنان پابرجاست. این مراسم و شعائر، تربیت کننده نسل با ایمان و شستشو دهنده روح و جان و بارور کننده ذهن و اندیشه ها نسبت به تعالیم مکتبی است. پیوند زدن دل و جان و عواطف و احساسات نسل امروز و کودکان و نوجوانان با اهل بیت پیامبر (ص) و شهدای کربلا، نقش بازدارنده آنان را نسبت به مفاسد دارد و «چراغ یاد» و «مشعل عز»، آنان را در کوره راههای زندگی، به حسین علیه السلام و کربلا می‌رساند.

پیام عاشورا در مقوله «یاد» و در بستر «عزاداری» برای عصر حاضر نیز همین است که حماسه‌های خونین و امیدبخش و انگیزه آفرین شهدا را زنده نگاه داریم و موضوع شهادت، رزمندگان، جبهه‌های نبرد، تظاهرات و راهپیمایی‌ها، مبارزات پیش از انقلاب، شهدای عزیز، شرح حال و زندگینامه آنان، فیلمهای دفاع مقدس و آثار هنری، نقاشی و طراحی و پوستر و امثال این گونه مظاهر مربوط به جهاد و شهادت و اینار را که همه الهام از «عاشورا» گرفته‌اند، به «یاد» آوریم و جزو فرهنگ عمومی مردم سازیم و درسهای نهضت کربلا را به مثابه یک درس عمیق، فراگیر سازیم.

عزاداری، یکی از گامها و اقدامهای جاودانه ساختن درسهای «قیام عاشورا» است.

پی نوشت ها:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۳۹۲، المواكب الحسینیة، محمد حسین کاشف الغطاء، ص ۳۰۱۵، کامل الزیارات، ص ۴۰۱۷۵. در این زمینه به کتاب «تاریخ النیاحه علی الامام الشهید» یا ترجمه فارسی آن به نام «تاریخچه عزاداری حسینی» مراجعه شود. ۵. امالی صدوق، ص ۱۱۱. ۶. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۷۰۸. شهید (ضمیمه «قیام و انقلاب مهدی»)، ص ۱۲۴ و ۸۰. ۱۲۵. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۹۰۲۰۷. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۰۱۵۳. ۱۰. نهضتهای اسلامی صد ساله اخیر، ص ۸۰.